

شهید مزاری؛ هویت و وحدت ملی

نویسنده: توسلی غرجستانی

بعد از به قدرت رسیدن مجاهدین در کابل و ایجاد دولت اسلامی توسط مجاهدین چند صبحی گذشته بود که بخشی از جامعه مورد بی مهری برخی از مجاهدین و قوماندانان پرنفوذ جهادی قرار گرفت که در رأس این بخش شهید مزاری و اطرافیان ایشان قرار داشت. مقاومت سه ساله شهید مزاری در غرب کابل نمادی است از ایستادگی در برابر نابرابری، بی عدالتی و احیاء و تثبیت هویت مردم ما. بگذریم و بگذاریم آن چه در این مقطع تاریخی برای مردم ما پیش آمد و آنچه بر این قوم محکوم رقم خورد. قضاوت این فصل از تاریخ را به آیندگان واگذار می کنیم. مقاومت شهید مزاری ارمنان و ثمراتی داشت که برای ما بسیار ارزشمند و سود مند بوده و هست. ما در اینجا به دو نتیجه مهم و دو فاکتور اساسی از آن نتایج می پردازیم:

۱- شهید مزاری و هویت ملی

شهید مزاری در واقع نه تنها احیاگر هویت برای جامعه ی هزاره و شیعه بود، بلکه احیاگر هویت برای تمام اقوام محکوم در کشور بحساب می آید. ایشان در تمام موضع گیری های خود خواهان اعاده و احقاق حقوق تمام اقوام محروم کشور بود و راه حل بحران کشور را از همین مجرا قابل تأمین می دانست. شهید مزاری و استراتژیی مورد نظر او بود که توانست این باور اشتباه " که اقوام محروم و محکوم کشور در سال های متمادی باید همچنان محکوم و محروم باشند " را از اذهان زدود و مردم ما را به این حقیقت رساند که هزاره ها، ازبک ها، ترکمن ها، ایماق ها، تاجیک ها و پشتون ها در این سرزمین حق دارند و باید همانند دیگران در سرنوشت کشور و در حاکمیت شریک و سهیم باشند. استاد شهید در یکی از سخنرانی هایش می گوید: (ما مردم افغانستان هیچ نژادی را نمی خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک

است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آنها بیایند در این مملکت برادر وار زندگی کنند و هر کس به حقوق شان برسند و هر کس درباره ای سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. این حرف ماست. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد دیگران نفی بکند این فاشیستی است. استاد شهید در جای دیگر چنین می گوید: ما سرزمین افغانستان را سر زمین مان می دانیم. این خاک را برای آزادیش بیش از یک میلیون شهید دادیم، وجب به وجب از این میهن دفاع می کنیم و بدین معنی نیست که ما حق نداشته باشیم، ما سرنوشت خود را تعیین نکنیم. اگر بی تفاوت باشیم، اتحاد خود را حفظ نکنیم، می توانند ما را ۳۰۰ سال دیگر باز حذف کنند، آن وقت برای جوالی گری باشیم!! ❖ "احیاء هویت" مجموعه سخنرانیهای استاد شهید ص ۳۳ و ۲۱ ❖).

اگر بعد از چند دهه بحران و درگیری؛ قانون اساسی که تأمین کننده منافع و مصالح ملی و تمام اقوام ساکن در کشور بوده و حقوق ملی و مذهبی آن ها را به رسمیت شناخته است؛ به وجود می آید و توسط نمایندگان مردم به تصویب می رسند، از نتایج ثمر بخش تلاش ها و کوشش های آن شهید و امثال ایشان می باشند. البته سعی و تلاش شخصیت ها، رهبران جهادی و بزرگان قوم را نمی توان در تصویب قانون اساسی از نظر دور داشت اما با تحلیل و ارزیابی دقیق می توان به این نتیجه رسید که این قانون اساسی حاصل تحمل مشکلات و زحماتی است که شهیدان بزرگوار و گمنام کشور از جمله شهید مزاری و یارانش در این مسیر کشیده اند.

۲- شهید مزاری و وحدت ملی

شهید مزاری بر این اعتقاد بود که تا زمان که وحدت ملی در کشور به وجود نیایند و منافع ملی بر منافع شخصی و قومی فایق نشود، بحران و بی ثباتی افغانستان برطرف نخواهد شد. مؤلفه های وحدت ملی از دید ایشان بسیار روشن و صریح می باشند که بدون در نظر گرفتن این

مؤلفه ها و رعایت نکردن این مقوله ها وحدت ملی بیش از پیش دچار خسران و زیان خواهد گردید.

۱- ایجاد یک سیستم و حاکمیت که بتواند حقوق تمام ملیت های ساکن کشور را به نحوی عادلانه تأمین کند. در تعیین و نصب وزراء، معاونین، والیان ولایات، ولسوال ها، قضات، ثارنوالی ها، اردو و پلیس ملی، استخدام در ادارات دولتی و حکومتی براساس عدالت و شایستگی باید انجام شود نه براساس قومی و منطقوی. استاد شهید برای این منظور ایجاد سیستم فدرالی را راه مناسب می دید و از آن ایده دفاع می کرد. (تنها راه حل که هم افغانستان را از تجزیه نجات می دهد و هم ملیت ها را قانع می سازد و هم حقوق شان را در دستهایش می دهد، یک سیستم فدرالی در افغانستان است که در آن توافق ملیت ها در نظر گرفته شود، عنعناتش در نظر گرفته شو، و خود شان تصمیم گیر باشد. "❖ احیاء هویت" مجموعه سخنرانیهای استاد شهید ص ۳۸❖)

۲- تقسیمات اداری کشور باید بر مبنای نفوس باشد. امری که تا آلان که در حدود سه سال و اندی از عمر حکومت بعد از طالبان می گذرد، هنوز جامه عمل نپوشیده و ادارات کشور بر مبنای همان تقسیمات فرتوت و ظالمانه ی قدیم به کار خود ادامه می دهد. حتی دولت مردان امروزی نمی دانند که نفوس فلان ولایت یا ولسوالی چند نفر است. با توجه به اینکه در امر برنامه ریزی و خدمت رسانی یکی از فاکتورهای مهم، آمار دقیق و شفاف تعداد ساکنین حوزه خدمت رسانی است تا براساس آن به نحوی مطلوب ارائه خدمت در ساحه معارف، صحت عامه و کار آفرینی صورت گیرد. شهید مزاری با درک حساسیت این موضوع چنین می گوید: (در رابطه با مسأله آینده چیزی روشن است که از نگاه بین المللی همه روی این مسأله قناعت دارند که حکومت آینده را رأی مردم باید تعیین کند و باهرکس که در این روزها مطرح می سازیم می گویند خوب

اگر مردم شما زیاد بود، نفوس شما زیاد بود در آینده مردم برایتان رأی می دهد. ولی ما و شما می دانیم که در کشورهای آسیایی و کلا در شرق رأی مردم تعیین کننده نیست. قدرتی که در رأس حکومت است تعیین کننده است... ما در زمان ظاهر چهار دوره رأی گیری داشتیم. وکیل در پارلمان می آمدند، از تمام هزاره جات که هر ولسوالی اش یک صد و شصت هزار نفر داشت سه نفر وکیل می آمد و از جنوبی و مشرقی که نفوس هر ولسوالیش پانزده هزار نفر بود یک وکیل وکیل می آمد. تا دو هزار و هشتصد نفر هم یک وکیل داشت... در منطقه دره صوف که یک ولسوالی است قبل از انقلاب در زمان ظاهر چهل و سه هزار نفوس داشت. ولایتش که مرکز بود هیجده هزار نفر نفوس داشت آن وقت یک نماینده از ولایت می آمد و یک نماینده از ولسوالی. در کنار این چهل و سه هزار نفوس یک ولسوالی دیگر از برداران اهل تسنن بود که دوازده هزار باشند داشت. پس دوازده هزار هم یک رأی داشت و چهل و سه هزار هم یک رأی.

❖ "احیاء هویت" مجموعه سخنرانیهای استاد شهید ص ۳۶ و ۳۷ ❖

شهید مزاری در مورد وحدت ملی هم چنین می گوید: (ما مردم افغانستان هیچ نژادی را نمی خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آنها بیایند در این مملکت برادر وار زندگی کنند و هر کس به حقوق شان برسند و هر کس درباره ای سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. این حرف ماست. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد دیگران نفی بکند این فاشیستی است. این بر خلاف رسوم بین المللی است. بناء ما تکرار می کنیم ما نیاز به این همبستگی داریم و نیاز به این کمک داریم. ❖ همان ص ۳۳ ❖)

فرجام این مقال را با گفتار از شهید مزاری که در آخرین روزهای زندگی خویش خطاب به مردم بیان کرد؛ مزین می کنیم.

از خدا خواستیم که خونم در کنار شما بریزد:

(اما امروز چرا آمدیم شما را در وقت روزه مزاحم شدم و خواستم با شما صحبت بکنم، برای شما من اینجا می گویم که من هیچ منفعتی غیر از منافع شما ندارم، اگر من می خواستم روی منافع شخصی خود فکر می کردم در این دو سال و هشت ماه هم در کنار شما نمی نشستم، خواستم که در کنار شما خونم اینجا بریزد، در بین شما کشته شوم، و در خارج از کنار شما هیچ زندگی برایم ارزشی ندارد. ❖ " احیاء هویت " مجموعه سخنرانیهای استاد شهید ص ۲۲۲ ❖



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲